

Policies and programs of Iranian governments in the sugar crisis in World War II

Marziye Mansouri*

Esmail Hassanzadeh**

Abstract

World War II is one of the most important periods in the history of the world. The adverse effects and consequences of this war affected all countries, both warring and neutral countries, economically, socially and politically. Iran's political arena was constantly changing during the four years of Allied presence. In the economic and social field, the situation was similarly chaotic and uncontrollable, the shortage of grains such as wheat, sugar, beans, etc caused unrest throughout Became the cities of Iran. Adopting useful and effective policies and programs to improve the situation at a time of crisis and war around the world could improve the situation and even get out of crises. The sugar crisis is one of the crises of this period. Sugar was used in addition to the daily consumption of people along with tea in industrial applications such as pharmaceuticals, food factories and confectioneries. Hence the policies and letters from the Iranian governments To solve this crisis and reduce the effects of the war on the shortage of sugar, by adopting policies such as: monopolizing sugar, rationing the basic items needed by the people was one of the measures taken by the Iranian government to resolve the sugar crisis. The monopoly of the sugar trade shows the high consumption of this product and the amount of its export and import. Mentioning the name of sugar cane in the list of essential items for rationing, which is done in special and critical circumstances to distribute essential and important items, is a certificate in itself. Revealing the sugar crisis among governments and the importance of its consumption among the Iranian. Therefore, they tried to distribute it fairly among the

* M.A in history. Alzahra university, Tehran. Iran (Corresponding Author), marziyemansori125@gmail.com

** Associated professor of history, Allzahra university, Tehran.Iran, ihassanzadeh111@gmail.com

Date received: 18/02/2021, Date of acceptance: 10/06/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

people with these measures. The present article tries to analyze the programs and policies used by governments in an analytical-documentary way. Therefore, the main question of the research is what the Iranian government has to do to get out of the crisis and the shortage of sugar in this period of time. Took action? And by analyzing the data, the degree of efficiency or inefficiency of the measures should be examined. Have the measures taken been effective in improving the situation or not? The article is based on the hypothesis that these measures not only improve the situation It did not help, but it also fueled the sugar crisis.

Keywords: Iran, World War II, Sugar Crisis, Famine, Monopoly of basic Goods.

سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های ایران در بحران قند و شکر در جنگ جهانی دوم

مرضیه منصوری*

اسماعیل حسن زاده**

چکیده

جنگ جهانی دوم از مهم‌ترین ادوار تاریخ جهان به شمار می‌آید. اثرات و نتایج نامطلوب این جنگ همه کشورها را چه کشور های متخاصم و در گیر جنگ و چه دیگر کشورها که بی‌طرف بودند را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تاثیر قرار داد. عرصه سیاسی ایران در طی چهار سال حضور متفقین بطور مداوم در حال تغییر و تحول بود. در عرصه اقتصادی و اجتماعی نیز وضع به همین منوال آشفته و غیر قابل کنترل بود، کمبود غلات از جمله گندم، قند و شکر و حبوبات و غیره... موجب اغتشاشاتی در سراسر شهرهای ایران شد. اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مفید و کارساز برای بهتر کردن اوضاع در زمانی که سراسر جهان دچار بحران و جنگ بود می‌توانست موجب بهتر شدن اوضاع و حتی برون رفت از بحران‌ها می‌شد. بحران قند و شکر یکی از بحرانهای این دوره است. مصارف قند و شکر علاوه بر مصرف روزانه مردم همراه با چای در مصارف صنعتی نظیر داروسازی، کارخانه‌های مواد غذایی و شیرینی‌پزیها مورد استفاده بود. از این رو سیاست‌ها و برنامه‌هایی از سوی دولت‌های ایران برای رفع این بحران و کاهش اثرات جنگ بر کمبود قند و شکر صورت گرفت، با اتخاذ سیاست‌هایی چون: انحصار کردن قند و شکر، جیره‌بندی اقلام اساسی و مورد نیاز مردم از اقداماتی بود که دولتمردان ایران برای رفع بحران قند و شکر انجام دادند. انحصار قرار دادن تجارت قند و شکر نشان از مصرف بالای این محصول و میزان صادرات واردات آن دارد. آوردن نام قند و شکر در لیست اقلام ضروری جهت جیره‌بندی، که در

* کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، marziyemansori125@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، ihassanzadeh111@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰



شرایط خاص و بحرانی این اقدام جهت توضیح اقلام ضروری و مهم صورت می‌گیرد، خود گواهی است آشکار ساختن بحران قند و شکر در بین دولتیان و اهمیت مصرف آن در بین مردم ایران. بنابراین آنها با این اقدامات سعی بر توزیع عادلانه آن در بین مردم داشتند. مقاله پیش رو سعی بر این دارد با روش تحلیلی - اسنادی برنامه و سیاست‌های به کار گرفته شده از سوی دولت‌ها را مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که دولت ایران برای برون رفت از بحران و کمبود قند و شکر در این دوره زمانی چه اقداماتی انجام داد؟ و با تجزیه و تحلیل داده‌ها میزان کارآمدی یا ناکارآمدی اقدامات مورد بررسی قرار گیرد. آیا اقدامات انجام گرفته در بهبود اوضاع موثر واقع شده است یا خیر؟ مقاله براین فرضیه استوار است که این اقدامات نه تنها به بهبود اوضاع کمک نکرد بلکه به بحران قند و شکر نیز دامن زد.

کلیدواژه‌ها: ایران، جنگ جهانی دوم، بحران قند و شکر، قحطی، انحصار کالاهای اساسی.

۱. مقدمه

نبودن ثبات سیاسی در شرایطی که کشور برای رفع بحران و تامین نیازهای خود نیاز به حداقل ثبات در زمینه مدیریتی داشت خود ضعف بسیار بزرگی بود که بر بحرانی شدن بیشتر آن می‌افزود. یکی از عوامل نبود ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حضور و اشغال ایران توسط قوای بیگانه بود. ایران علی‌رغم اعلام بی‌طرفی خود از جنگ، قوای متفق اعلام کردند در ۲۶ شهریور تهران را اشغال می‌کنند، رضا شاه در پنجم شهریور ۱۳۲۰ (۲۷ اوت ۱۹۴۱) منصور الملک نخست‌وزیر وقت را برکنار و محمد علی فروغی - اولین و آخرین نخست‌وزیر رضا شاه - را مأمور تشکیل کابینه کرد. .. نه قدرت رضا شاه و نه ارتش او که بیشتر درآمد ایران صرف بازسازی آن می‌شد، نتوانست ایران را از چنگال قدرت‌های استعماری نجات دهد. (مجد، ۱۳۹۵: ۱۵). نخستین اقدام فروغی در برابر ارتش متفقین این بود که ارتش ایران هیچ ایستادگی در برابر آنها نکنند. فروپاشی ارتش و سرگردانی ۵۰۰۰۰۰ هزار سرباز ارتش ایران به شکل ژنده پوش و گرسنه در سطح شهر (فخرالدین عظیمی، ۱۳۷۲: ۵۹)، صف‌های طولانی و درگیری‌های روزانه در دکان‌ها بر سر اقلام اساسی از جمله قند و شکر (اطلاعات، س ۱۶، ش ۴۶۹۱، هفتم آبان ۱۳۲۰، ۱). از همان ابتدا روبه‌رو بودن دولت و ملت با یک بحران را نمایان ساخت. نابسامانی در عرصه‌ی سیاسی چنان بود که تا پایان جنگ و خروج روسیه و انگلستان از ایران، ۱۲ نخست‌وزیر در ایران بر سر کار آمد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

بحث در زمینه ی پیشینه پژوهش در مقاله به خواننده کمک قابل شایانی در فهم موضوع می کند بنابراین لازم می نماید به اختصار به آن پرداخته شود. قحطی و بحرانهای اقتصادی در اعصار مختلف موجب آشوبهای اجتماعی و اقتصادی زیادی در ایران شده بود. بحران قند و شکر یکی از بحران هایی است که هم زمان با جنگ جهانی دوم روی داد. البته در دوره قاجار در آستانه انقلاب مشروطه کمبود و گرانی قند و شکر موجب برافروختن آتش انقلاب مشروطه شده بود (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۸). از آنجا که در آن دوره زمانی جای به عنوان یک محصول وارداتی و جدید در بین مردم و در کنار آن قند و شکر از محصولات پرمصرف در کشور محسوب می شده است، و ایران هنوز در زمینه کاشت و برداشت و ساخت کارخانه قند به پیشرفتی دست نیافته بود بنابراین همه نیاز خود را از طریق واردات تأمین می کرد. روسیه از مهمترین کشورهای صادر کننده قند و شکر به ایران محسوب می شد. (منصوری، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

روسیه در جنگ با ژاپن در سال ۱۹۰۵ سهم قابل توجهی از واردات و تجارت کشور را به خود اختصاص داده بود. لذا صادرات قند به ایران کاهش پیدا کرد. ایران دچار کمبود و گرانی در این زمینه شد. (کسروی، همان: ۵۸) به فلک بستن تجار از جمله میر سید هاشم قندی توسط علاءالدوله موجب اعتراض تجار و بست نشینی آنها شد. (دولت آبادی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۱۲)

نخستین بار در زمان ناصرالدین شاه اقدامی برای تولید قند شکر انجام شد ولی به دلیل نامرغوب بودن و گرانی محصول در مقابل مشابه خارجی یعنی قند روسی تعطیل شد. (افضل الملک، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۷۵) سیاست ساخت کارخانه ها که در دوره رضا شاه اتخاذ شد، و کارخانه های متعددی در زمینه تولید کالاهای اساسی زندگی تاسیس شد، از جمله در زمینه ایجاد کارخانه قند و شکر نیز تصمیماتی گرفته شد. بنابراین قند و شکر، اولین بار در دوره رضا شاه تولید شد ولی تا دوره مورد بحث (سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵) بیش از نیمی از قند و شکر از واردات تأمین می شد. واردات قند و شکر و سود حاصل از آن برای دولت آنقدر درآمدزایی داشت که ساخت راه آهن شمال تا جنوب را از راه مالیات قند و شکر ساختند. (سیف پور فاطمی، ۱۳۸۷: ۶۱۸)

۲.۱ وجه نوآوری تحقیق

در زمینه منابع مورد استفاده این پژوهش باید متذکر شد چون موضوع درنوع خود بدیع و تازه بود در این موضوع هیچ پژوهشی صورت نگرفته است و نگارنده با صرف وقت زیاد و خواندن و اسناد و روزنامه های آن دوره مطالب آن را گردآوری نموده است. در کتاب پل پیرزی نوشته شده توسط محمد قلی مجد به صورت جزئی اشاره ای به این بحران شده است. گردآوری آمار قیمت قند و شکر و آمار میزان واردات و صادرات قند و شکر وجود بحران را به اثبات رسانده است، خود از بدیع بودن مقاله حکایت دارد. علاوه بر اسناد و روزنامه ها از کتبی چون خاطرات کنسول گران انگلستان و آمریکا و یا خاطرات رجال سیاسی استفاده شده است. از روزنامه های داخلی روزنامه اطلاعات بیشترین اطلاعات جمع آوری شده چرا که روزنامه هر روز چاپ شده و وقفه ی زمانی نداشته است. گرچه این روزنامه روزنامه دولتی و وابسته به دربار بوده و در این پژوهش سعی شده از روزنامه های چپ گرا و منتقد دولت بودند هم استفاده کند. پژوهشگر مبادرت به مطالعه روزنامه های چپ و مخالف هم برای به دست آمدن دیدی بهتر استفاده کرده است که از جمله «روزنامه مرد امروز» بود به سردبیری محمد مسعود با نام مستعار «م. دهاتی» این روزنامه بارها توسط دولت توقیف شده بود.

۳.۱ روش تحقیق

این مقاله سعی بر این دارد با تحلیل تاریخی و اسنادی، سیاست حکومت در مدیریت انحصار و جیره بندی مورد تبیین قرارگیرد و دلایل شکست سیاست را نشان دهد. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که دولت ایران برای برون رفت از بحران و کمبود قند و شکر در این دوره زمانی چه اقداماتی انجام داد؟ و با تجزیه و تحلیل دادها میزان کار آمدی یا نا کار آمدی اقدامات مورد بررسی قرار گیرد. آیا اقدامات انجام گرفته در بهبود اوضاع موثر واقع شده است یا خیر؟

مقاله براین فرضیه استوار است که این اقدامات نه تنها به بهبود اوضاع کمک نکرد بلکه به بحران قند و شکر نیز دامن زد.

۲. اهمیت قند و شکر در جیره غذایی ایرانیان

قند و شکر از ارزاق بسیار پر مصرف در بین مردم ایران در مصارف خانگی و صنایع دارویی و غذایی بود. مصرف خانگی در کنار چای یا پخت انواع غذاها و شیرینی جات، داروخانه ها برای تولید شربت و قرص ها، کارخانه های مواد غذایی و شیرینی پزی ها استفاده می شد. چون بیشترین مصرف قند و شکر در امور خانگی بود، کمبود و یا نبود آن بر زندگی اجتماعی مردم تاثیر زیادی می گذاشت. براساس گزارش های موجود (مکاتبه میلسپو باسرهنگ هابسون نماینده مرکز تدارکات خاورمیانه)، مصرف قند و شکر در ایران بیشتر از کشورهای اروپایی و آمریکایی بود. در این گزارش این کالاها را جزء کالاهای ضروری زندگی دانسته اند در حالی که در زندگی اروپایی و غربی جزء اقلام حاشیه ای دانسته شده است. (مجد، ۱۳۹۵: ۲۳۲)

در دوره جیره بندی اقلام اساسی، به دلیل اهمیت قند و شکر، کارگزاران حکومتی آن را در طرح کوپن و جیره بندی کردن برای توزیع متناسب آن قرار دادند. ایران در سال ۱۳۲۰، حدود ۱۲ میلیون ۸۵۰ هزار نفر جمعیت داشت (همان: ۱۲) و بر اساس سهمیه جیره بندی، ماهانه به هر نفر یک کیلوگرم (نامه اقتصاد و بازرگانی، شماره ۵۰، مهر ماه ۱۳۲۴، ۳۷) قند و شکر تخصیص یافت که البته این میزان از شهری به شهرداری و بین شهریان و روستائیان متفاوت بود. این مقدار سهمیه در طول سالهای بحران (سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵) متغیر بود و معمولاً به دلیل عدم امکانات مالی و تدارکاتی روندی کاهشی داشت. در شهرها به تناسب تعداد جمعیت و میزان بزرگی و کوچکی و صنعتی شدن به هرنفر بین ۲۵۰ گرم، ۵۰۰ گرم و ۷۵۰ گرم در نوسان بود. (نامه اقتصاد و بازرگانی، شماره ۵۰، مهر ماه ۱۳۲۴، ص ۳۸-۳۷). شهرهای بزرگ و صنعتی بیشترین بهره را از جیره بندی می بردند و شهرهای کوچ و روستا کمتر برخوردار می شدند. با احتساب میانگین ۷۵۰ گرم در ماه، جمعاً سالی ۸۶۴۰۰ تن فقط برای مصرف خانگی قند لازم بود البته مصارف دیگر هم بود، همچون پذیرایی های رسمی، مصارف خاص ادارات، رستوران ها، قهوه خانه ها و ارتش، که این موارد خودشان مصرف جداگانه محسوب می شدند؛ درحالی که نیاز به در نظر گرفتن سهمیه ای جداگانه بود از سهمیه مردم کم می شد. حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار تن نیز مصارف صنایع غذایی و دارویی و سایر مصارف دولتی بود. بنابر این آمار میزان مصرف و جایگاه آن به درستی روشن می شود. (نامه اقتصاد و بازرگانی، شماره ۵۰، مهر ماه ۱۳۲۴، ۳۸-۳۷).

۳. میزان تولید قند و شکر و واردات آن در ایران بین ۱۳۱۹-۱۳۲۵

تولید قند و شکر توسط کارخانه‌های داخلی از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۱۹ روند افزایشی داشت. اما در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ به دلیل بحرانهای بین‌المللی روند کاهشی موقت پیدا کرد. در سال ۱۳۱۹ حدود ۳۵ هزار تن قند و شکر در ایران تولید شد و چیزی حدود ۱۰۰ هزار تن از مابقی احتیاجات خود را از کشورهای تولیدکننده آن وارد می‌کرد. (مجد، ۱۳۹۵: ۲۳۲) تقریباً در دوره رضاشاه کشور کمتر با مشکل کمبود قند و شکر مواجه شده بود. اما از دوره اشغال کشور از شهریور ۱۳۲۰، جدای از واردات از خارج با مشکل جدی رو به رو شده بود، تولیدات کارخانه‌های داخلی نیز با اشغال نظامی متفقین طی این شش سال کاهش پیدا کرد. کارخانه‌های کشور یک سوم تولید را از دست دادند. جدول (۱) کاهش تولیدات را به خوبی نشان می‌دهد:^۱

جدول ۱. میزان تولید و واردات قند و شکر از ۱۳۱۹-۱۳۲۰ش

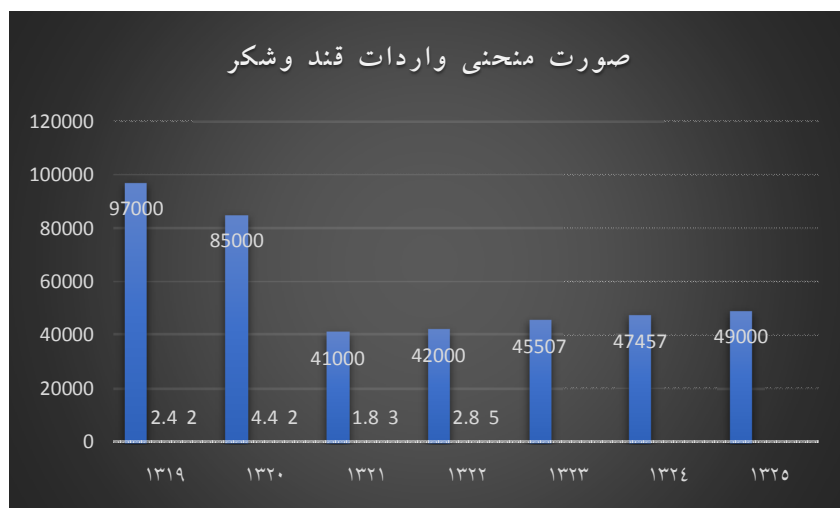
سال تولید	میزان تولید داخلی قند و شکر به تن	میزان واردات قند و شکر به تن	جمع
۱۳۱۹	۳۵۰۰۰	۹۷۰۰۰	۱۲۳۰۰۰
۱۳۲۰	۲۲۲۷۲	۸۵۰۰۰	۱۰۷۲۷۲
۱۳۲۱	۲۲۰۰۰	۴۱۰۰۰	۶۳۰۰۰
۱۳۲۲	۲۱۵۶۰	۴۲۰۰۰	۶۳۵۶۰
۱۳۲۳	۲۱۵۹۶	۴۵۵۰۷	۶۷۱۰۳
۱۳۲۴	۲۳۰۰۰	۴۷۴۵۷	۷۰۴۵۷
۱۳۲۵	۳۵۰۰۰	۴۹۰۰۰	۸۴۰۰۰
جمع	۱۸۰۴۲۸	۵۸۷۳۹۲	۷۶۷۸۲۰

همان‌طوری که در نمودار مشخص است میزان تولید کارخانه‌های داخلی در طول حدود شش سال تقریباً هیچ روند افزایشی نداشت و ایران در سال ۱۳۲۵ به زمان پیش از جنگ (سال ۱۳۱۹) برگشته بود.

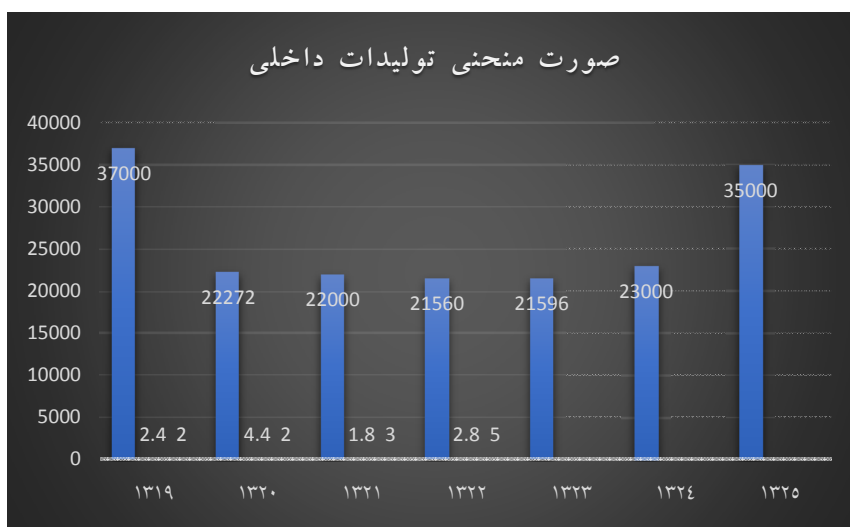
طبق این آمار تا قبل از جنگ یک چهارم قند مصرفی در کارخانه‌های داخل تولید و سه چهارم آن را از خارج تامین می‌کردند. براساس آماری که از اسناد و روزنامه‌های اقتصادی و اجتماعی جمع‌آوری شده است، میزان واردات قند و شکر در دوره مورد بحث

سیاست ها و برنامه های دولت های ایران در ... (مرضیه منصوری و اسماعیل حسن زاده) ۲۷۵

به شدت کاهش پیدا کرده است . در جدول (شماره ۱) . نمودار ۱ میزان تولید داخلی و واردات قند و شکر از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵ به طور مقایسه ای آورده شده است .



نمودار ۱. صورت منحنی واردات قند و شکر از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵



نمودار ۲. صورت منحنی تولیدات داخلی

همانطور که در جدول ۱ و نمودار ۲ مشاهده می شود میزان واردات قند و شکر در سال ۱۳۱۹ نزدیک صد هزار تن می باشد. در سال ۱۳۲۰ با اشغال نظامی و مشکل در واردات

قند و شکر به تدریج از میزان آن کم شد و در سال ۱۳۲۱ به پایین‌ترین حد خود در طول این پنج سال رسید. و تقریباً به میزان واردات ایران به پیش از بحران ۱۹۲۹م جهان تنزل کرد.

ایران از مهمترین کشورهای واردکننده قند و شکر از روسیه بود، این در حالی است که روسیه در این دوره زمانی درگیر جنگ بین‌المللی است. درست مانند دوره قاجار مقارن انقلاب مشروطه که روسیه با ژاپن درگیر جنگ بود و تولید کارخانه‌های کشور با مشکل مواجه شد و در مقابل بازارهای ایران دچار کمبود شدند با این تفاوت که در جنگ جهانی دوم ایران تقریباً یک سوم نیاز خود را با تولیدات داخلی برآورده می‌کرد ولی در دوره قاجار همه نیاز خود را از واردات به خصوص از روسیه تامین می‌کرد. مهمترین تاثیر کاهش تولید و واردات، کمبود و افزایش قیمت‌ها به چند برابر بود.

۴. سیاست انحصار دولتی خرید و فروش قند و شکر و پیامدهای آن

انحصار دولتی عبارت است از اینکه دولت خرید و فروش کالایی را در دست خود یا فرد دیگر قرار می‌دهد. (نامه اقتصاد و بازرگانی، ش ۳، خردادماه ۱۳۲۱، ۷۰) بنابراین در این عرصه مانند بازرگانی آزاد، عرضه آزاد کالا وجود ندارد. صاحب انحصار بر حسب تقاضا نرخ کالای خود را تعیین و زیاد یا کم می‌نماید و سود تضمین شده‌ای را به دست می‌آورد. برخی بر عقیده اند انحصار موجب افزایش قیمت کالا و بالا رفتن نرخ کالا است، زیرا صاحب انحصار به میل خود نرخی را تعیین می‌نماید که بالاتر از نرخ عادی است. برخی دیگر انحصار را موجب حمایت از کالاها و تولیدات و کاهش قیمت‌ها می‌شود. البته در دیدگاه این دو گروه انحصار به زیان مصرف‌کنندگان است. چون کاهش قیمت به افزایش تقاضا می‌انجامد و افزایش تقاضا به افزایش قیمت منجر می‌شود. (همان، ۷۱-۷۰). شارل ژید، در مورد اجرای قانون انحصاری معتقد است: «منظور اصلی در انحصار آن است که در مواقع سختی و گرانی بیشتر رعایت حال فقرا و کارگران شود و باید توانایی خرید اشخاص را در نظر گرفت». (همان، ص ۷۱-۷۰)

مسئله انحصاری کردن قند و شکر، در دوره رضا شاه (از سال ۱۳۰۴) برای تامین هزینه ساخت راه‌آهن، که نیاز به سرمایه زیاد داشت، در انحصار دولت قرار گرفت. (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۱۳) هر سال بر نرخ انحصار و عوارض راه افزوده می‌شد و به تبع آن قیمت قند و شکر نیز افزایش می‌یافت. افزایش قیمت انحصاری تا اشغال کشور خود را

نشان نمی داد. جامعه با کمبود واردات روبه رو نبود و از این بازار داغ و واردات روز افزون سود خود را می برد، با اشغال ایران، افزایش قیمت و نایابی قند و شکر خود را نشان داد و اعتراض ها به دولت شروع شد. میلسپو و هیات اصلاح اقتصادی همراهش، با انحصارات در این زمان مخالف بودند؛ از دیدگاه او، انحصار بازرگانی دولتی، نیازمند مقامات و مامورین درستکار بود. در این حکومت، انحصارات جز پر کردن جیب عده ای معدود و فقیر شدن مردم بیچاره چیز دیگری در پی نداشت. اینگونه انحصارات همیشه آلوده به سیاست بود تا تجارت. (همان: ۶۴) لذا علیرغم پافشاری ایشان، قانون انحصارکالاهای ضروری لغو نشد. قانون انحصار در دوره اشغال آثار سنگین خود را نشان داد.

۱.۴ احتکار و ناکارآمدی قوانین موجود و فساد ماموران حکومتی

احتکار به عنوان یک روش ضد اخلاقی و خلاف اوضاع جامعه، از مصادیق بارز تجاوز به حقوق اجتماعی است. احتکار به چند صورت رخ می داد: نخست ترس از افزایش قیمت بود؛ ترس از اینکه در آینده ممکن است قیمت کالاهای اساسی یا مصرفی گران تر شود. مصرف کننده و دلالان و بازاریان؛ نگرانی از آینده کالا مصرف کننده عادی را و می داشت تا در خرید جنس مورد نظر خود ولع بیشتری از خود بروز دهد. اغلب در زمان جنگ و اضطرابی چنین احتکاری روی می داد، (سالکی، ۱۳۶۶، شماره ۳۱: ۲۳) چنانچه در مورد قند و شکر در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ چنین وضعی رخ داد. اما بحث احتکار خرید کالا به مقدار بسیار زیاد و انبار کردن آن به منظور افزایش قیمت است که توسط متنفذان اداری و دلالان و بازاریان صورت می گرفت.

دوم: احتکار جهت حفظ ارزش پول در برابرگرانی و تورم اجناس است، در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ قیمت اجناس بخصوص قند و شکر خیلی سریع رو به افزایش رفت و سیاست دولت در چاپ و انتشار پول بدون پشتوانه طلا بر این روند تاثیر گذاشت و موجب بی ارزش شدن پول ملی شد. (کیهان، س ۲، ش ۳۷۰، ۱۹ آذرماه ۱۳۲۲: ۱) عده ای برای حفظ ارزش اندوخته مالی خود، شروع به جمع آوری و احتکار محصولات می کردند که جزء اقلام اساسی کشور بود و یا پول خود را به بازرگانان و تجار می دادند و چون واردات و صادرات با مشکل مواجه شده بود، عملاً کار تجاری صورت نمی گرفت، بازرگانان با خرید و احتکار محصولات اساسی سعی در کار تجاری داشتند، بنابراین احتکار بهترین و سریعترین راه کسب سود بود. این اقدام موجب نایابی و کمبود اقلام اساسی مورد نیاز در

بازار و به تبع آن گران شدن کالاهای احتکار شده و در مقابل حفظ سرمایه برای محتکرین می شد. (کیهان، س ۲، ش ۳۷۰، ۱۹ آذرماه ۱۳۲۲، ۱)

سوم: احتکار سیستمی، تعمدی و از پیش طراحی شده است که نهادهای دولتی یا افراد متنفذ یا بنگاه های اقتصادی با توجه به آگاهی از شرایط جامعه دست به تبلیغات فروش کالا می زنند و با بالا رفتن تقاضای مصنوعی، ناگهان کالاهای مورد تقاضا از مغازه ها و دکان ها به به انبارها منتقل میشوند. مصرف کننده دستخوش ترس و نگرانی از نایابی حاضر می شود به هر قیمتی که عرضه کننده عنوان کند، بهای آن راپردازد. پس از جا افتادن و طبیعی جلوه نمودن قیمت جدید، محتکران کالا را با قیمتی به مراتب گران تر وارد بازار می کردند. مدت احتکار کالا در نایاب شدن و گرانتر شدن آن بسیار تاثیر دارد. احتکار طولانی مدت، مخرب تر و زیان آورتر نیز است. (سالکی، ۱۳۶۶: همان، ۲۴)

در خردادماه ۱۳۲۱ برای جلوگیری از احتکار و پنهان کردن کالاهای اساسی که کشور در وارد کردن آن با مشکل روبرو بود، قانون ضد احتکار، به تصویب مجلس رسید. در همین راستا برای اجرای این قانون و تنظیم امور خواروبار، اداره نظارت بر خواروبار با کارمندانی از دیگر وزارتخانه ها که حسن پیشه داشتند تشکیل شد. (اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۹۱۲، ۲۷/۳/۱۳۲۱، ۱)

ماده ۱۷ این قانون مربوط به تعیین نرخ کالاها، برای جلوگیری از نرخ گذاری افراد محتکر بود. وظیفه این سازمان عبارت بود از: تعیین میزان احتیاجات کشور نسبت به کلیه مواد خواروبار از غله و غیره، تعیین کمبود مواد خواروبار مورد نیاز شهرستان ها، تعدیل احتیاجات هر محل به قدر فراهم بودن وسایل، مراقبت در تعیین نرخ انواع خواروبار و کالا، مراقبت در حسن جریان باربری و جمع آوری و تنظیم صورت کلیه کالاهای مورد نیاز عمومی در کلیه نقاط کشور، مراقبت در توزیع آنها نسبت به احتیاج هر شهر. از طرف دیگر در ماده ۱۸ این قانون لیست کالاهای مشمول قانون احتکار و مصرف سرانه آن برای هر شخص را در سال تعیین کردند که در منزل هر شخص می بایست چه مقدار از کالاهای اساسی وجود داشته باشد و بیشتر از آن احتکار محسوب می شد و با آن شخص برخورد می کردند. (این داده مقدار حداقل نیاز هر شخص از اقلا اساسی به طور سالیانه را نشان می دهد، و هم چنین نشان دهنده این است که حتی مردم بر اساس میزا حداقل سهمیه جیره بندی هم در یال قند و شکر مصرف نکرده اند) سهم هر شخص براساس لیست دولت را به شرح زیر اعلام کردند:

قندوشکر برای هر نفر در سال	۱۲ کیلو
آرد برای هر نفر در سال	۵۵۰ کیلو
برنج برای هر نفر در سال	۶۰ کیلو
چای برای هر نفر در سال	۳ کیلو
حبوبات و سیب زمینی برای هر نفر در سال	۵۰ کیلو
روغن و کره برای هر نفر در سال	۲۴ کیلو
زغال چوب و خاک آن برای هر نفر در سال	۱۵۰ کیلو

(نامه اقتصاد و بازرگانی، ش ۳، خرداد ۱۳۲۱، ۵۶)

در اسناد، مورد مطالعه اسناد زیادی دال بر احتکار اقلام اساسی خصوصاً قند و شکر گزارش شده است خصوصاً با استفاده از دزدیدن یا جعل کردن برگه کوپن و خارج کردن قند و شکر از سهمیه و انبار کردن آن در انبارها به منظور احتکار کردن و آن را در موقعیت مناسب در بازار آزاد با چندین برابر قیمت به فروش برسانند. گزارش تعجب آورتر در مورد ناتوانی دولت در به اجرا در آوردن قانون ضد احتکار است و اینکه دولت نمی تواند مانع انبار کردن اقلام اساسی شود. (ساکما، ۲۴۰/۲۵۱۰۶) در یکی از اسناد که اعتراضی است به رئیس کل بازرسی درباره ماموران و مسئولان مجری قانون منع احتکار، ماموران مقدار کالای کشف شده را به مراتب کمتر از مقدار واقعی صورت جلسه ها درج می کردند. بخش ناچیزی از کالای را احتکاری محسوب کرده و در ازای آن رشوه دریافت می کردند. مثلاً از صد در صد کالای مازاد فقط سی در صد کالا به عنوان مازاد سند می خورد و مابقی کالا در احتکار باقی می ماند و مامورین بابت آن هنگفتی به جیب می زدند. (همان، ۲۴۰/۴۱۶۴۲) گزارش هایی از جعل اسناد توسط ماموران جهت مخفی کردن واقعیت احتکار آمده است. گاهی ماموران با دریافت رشوه، گزارش های مردمی را اشتباه می دانستند. (همان، ۲۴۰/۴۱۶۴۲). روزنامه کیهان با انتشار مقاله ای در آذر ۱۳۲۲ به جز جنگ و حضور بیگانگان در ایران که مسبب بدبختی مردم بودند، محتکران را عامل سوم بدبختی مردم اعلام کرد و با نقد اعمال محتکران، آنها را به مانند خون آشام هایی توصیف می کند که به جان مردم بینوا افتاده اند و آخرین قطره خونسشان را می مکند. (کیهان عصر، ش ۳۷۰، ۱۹/۱۳۲۲، ۱) بولارد در یک اظهار نظر اغراق آمیز، معتقد است همه مقامات بلندپایه در احتکار دست داشتند، برای همین بود که هیچ وقت این عمل قطع نشد و ادامه داشت. (بولارد، ۱۳۶۳، ۹۰)

روزنامه مرد امروز (که توسط محمد مسعود معروف به «م.دهاتی» منتشر می‌شد)، مرتباً در مقالاتی ضمن نقد سیاست‌های دولتهای اشغالگر، علت داخلی گرانی را اعمال مقامات فاسد می‌دانست، و با تاکید براین که «آقا سبب گرانی تو هستی، سرچشمه فقر و پریشانی و بدبختی این کشور شما هستید» منتشر می‌کرد. (مرد امروز، ش ۹۹، ۱۳۲۶/۲/۱۹) این روزنامه بیش از ۵۰ بار از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ به علت افشاگری‌هایی که از عاملین حکومت و اقدامات روسیه و انگلیس می‌کرده، توقیف شد.

۲.۴ گران شدن قیمت قند و شکر

کمبود واردات قند و شکر از کشور روسیه در جنگ جهانی دوم ناشی از عدم تولید کارخانه‌های روسی نبود، بلکه ناشی از تغییر سیاست اقتصادی روس‌ها در صادرات قند و شکر بود، آنها به دلیل نیاز به درآمد زیاد جهت ادامه جنگ قند و شکر خود را بیشتر وارد بازارهای سیاه کشورهای واردکننده می‌کردند و با قیمت بسیار بالا به مردم آن سرزمین‌ها می‌فروختند. (سر ریدر بولارد، ۱۳۶۳، شترها باید بروند: ۹۱) به دلیل شرایط جنگی و قطع واردات، نرخ اجناس و مواد مورد نیاز دیگر نیز، روزه روز افزوده می‌شد، بطوریکه به چندین برابر سالهای قبل رسید. (همان)

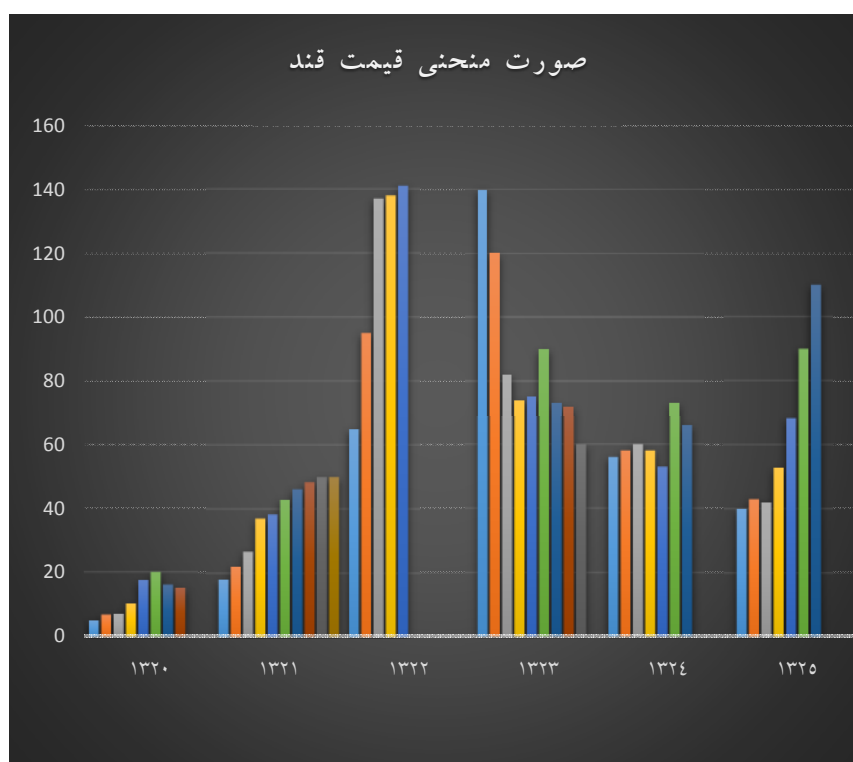
قیمت قند و شکر باروند بسیار زیاد رو به افزایش رفت. با مطالعه اسناد و روزنامه‌های زیادی که در آن دوران منتشر شده پژوهشگر توانسته قیمت قند و شکر در طی پنج سال استخراج کرده و روند افزایشی آن را به خوبی نشان دهد.^۲

جدول ۳. صورت جدول قیمت قند به ریال

ماه‌های سال	۱۳۲۰	۱۳۲۱	۱۳۲۲	۱۳۲۳	۱۳۲۴	۱۳۲۵
فروردین	۵	۱۸/۳۵	۵۰-۶۵	۱۴۰	۵۶	۴۰
اردیبهشت	-	۲۲/۶۵-۲۱/۶	-	۱۲۰	-	۴۳
خرداد	۵/۲	۲۶/۶۵	۹۵/۲۰	-	۶۶-۵۷	۴۲
تیر	۵/۸	۳۷	۱۳۷	-	۶۰-۵۵	۵۲/۸۰
مرداد	۶	۳۸/۳	-	۸۲	۵۸-۵۱	-
شهریور	۶/۸	-	-	۷۴	۵۸-۵۳	-
مهر	۷	۴۲/۹	-	۷۵	-	۶۸/۳

سیاست ها و برنامه های دولت های ایران در ... (مرضیه منصوری و اسماعیل حسن زاده) ۲۸۱

آبان	۱۰/۲۰	۴۶/۲۰	۱۳۸	۹۰	-	۹۰
آذر	۱۷/۴۸	۴۸/۴	۱۴۱	۷۳	۸۱-۷۳	۱۱۰
دی	۲۰	-	-	۷۳	۷۵-۶۶	-
بهمن	۱۶	۵۰	-	۷۲	-	-
اسفند	۱۵	۵۰	-	۶۰	-	-



نمودار ۳. صورت منحنی قیمت قند

جدول ۳ و نمودار ۳ نشان می دهد که از خرداد، به دنبال افزایش احتمال حمله متفقین به ایران، قیمت ها روند افزایشی پیدا کرد. این روند در کل پنج سال وضعیت خود را حفظ کرد. قیمت قند از قرار کیلویی ۶/۸ ریال در شهریور ۱۳۲۰ به ۲۰ ریال دزدی ماه (حدود سه برابر) همان سال رسید. این افزایش قیمت به سرعت ادامه داشت تا اوج گرانی

و افزایش بهاء قند و شکر در سال ۱۳۲۲، هر کیلو قند ۱۴۱ ریال و شکر ۱۴۰ ریال به فروش رسید. یعنی قیمت‌ها حدود ۲۵ برابر شده بود.

دولت ایران گرفتار مشکلات خارجی و داخلی، با انجام اقداماتی سعی کرد تا مسایل داخلی را مدیریت کند. مطالعه مدیریت کمبود قند و شکر می‌تواند الگوی مناسبی برای فهم نظام مدیریت بحران دولت ایران باشد. دولت برای رفع بحران و توزیع متعادل قند و شکر بین مردم دست به اقداماتی زد: انحصاری کردن قند و شکر، جیره‌بندی و توزیع کوپن از جمله اقدامات دولت بود که در ادامه به تجزیه تحلیل آن می‌پردازیم.

هرچند علت اصلی گرانی، کلاهش واردات و کمبود قند و شکر در بازار بود. اما مساله مهم این که در دوره اشغال کشور، قند و شکر انحصاری، دولت به منظور کسب درآمد، با قیمت‌گذاری بالا کالاها به فروش می‌رساند و مالیات زیاد هم وضع می‌کرد. در واقع قانون انحصار قند و شکر در وضعیت بحرانی ایران، نتیجه معکوس داشت. چنانکه روزنامه عصر اقتصاد در اعتراض به انحصار قند و شکر می‌نویسد:

اگر منظور دولت از ورود انحصاری آن کالا این بوده است که به قیمت ارزان و به‌طور جیره‌بندی بین عموم و اهالی به‌طور مساوی تقسیم شده و در موقع جنگ مردم از حیث مواد مزبور که از ضروریات اولیه به‌شمار می‌رود در زحمت نباشند، باید صراحتاً متذکر شد که منظور فوق عملی نشده و گذشته از اینکه کالاهای فوق در اثر سوء اداره در بازار بورس سیاه پیدا کرده و هر یک به چندین برابر قیمت دولتی مورد خرید و فروش قرار گرفته‌اند. (عصر اقتصاد، ش ۳ و ۲، ۲۲)

در واقع انحصاری کردن بازار، یعنی حق تجارت را به یک عده خاص دادن و باعث از بین رفتن بازار رقابت بین بازرگانان و قرار گرفتن آن در اختیار بازرگانان وابسته به دولت یا خارجیان انجامید. انحصارگران براساس میل خود، کالای وارداتی را پخش نمی‌کردند؛ این کالاها در انبار و یا در گمرک بود، اجازه ورود نمی‌دادند در نتیجه موجب گرانی می‌شد. کالاهای انحصاری دولت عبارتند از قند و شکر، کبریت، چای، برنج، سیگار، تنباکو، توتون چیق و نیمکوب.

در فروردین ماه ۱۳۲۰ دولت برای توزیع بهتر اقلام انحصاری شرکت پخش کالاهای انحصاری با سرمایه ۵۰ میلیون ریال را تاسیس کرد. (روزنامه کوشش، س ۱۹، چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۲۰، ش ۴۵۶۴: ۲) این شرکت زیرمجموعه کمیته خواربار بوده که برای پخش و توزیع کالاهای انحصاری در ۱۴ تیر ۱۳۲۰ شروع به کار کرد. این شرکت طبق اساسنامه،

می بایست معادل مصرف یک ماه و نیم شهرستان تهران را از انواع کالاها خریداری و انبار می کرد. از همان ابتدا شرکت نتوانست به تعهدات خود مبنی بر تامین کالاهای انحصاری من جمله قند و شکر عمل کند. با وجود بودجه هنگفتی، نتوانست در توزیع و پخش کالاها موفق باشد، به زودی دچار فساد شد و اعتراض مردم را برانگیخت. قند و شکر که از طرف اداره خواروبار شرکت سهامی جهت پخش داده می شد در همان ساعات اول بین چندین هزار نفر فروخته می شد، به بقیه مردم تهران قند و شکر نمی رسید. این موضوع موجب درگیری پراکنده و افزایش خشونت بین مردم و کارگزاران حکومتی شد. مردم شیشه های شرکت های سهامی را به خاطر نبود قند شکر شکستند و دولت این شرکت را تعطیل کرد، بعدها با تعهد و امضای چند نفر مدیر دوباره کارش را از سر گرفت. (روزنامه اطلاعات، سال شانزدهم، ش ۴۷۲۰، ۱)

بین تولید و واردات انحصاری قند و شکر و افزایش مالیات چرخه ای ایجاد شده بود علاوه بر امتیاز انحصار، حقوق گمرکی و میزان عوارض راه نیز بر قند و شکر وارد شده که بر قیمت کالاها می افزود. سود هنگفتی عاید خزانه حکومتی می کرد. دولت علاوه بر درآمدزایی کنترل بازار و قیمت و نحوه توزیع و مصرف را در اختیار داشت. سال ۱۳۲۱ ایران در اوج قحطی و بحران اقتصادی، قند و شکر تقریباً در بازار نبود. جدول زیر درآمد دولت از کالاهای مختلف همراه با قند و شکر نشانگر اهمیت و سودآوری این کالاها برای دولت است. درآمد حاصل از قند و شکر بعد از امتیاز نفت در رده دوم قرار داشت. (نامه اقتصاد و بازرگانی، ش ۱، فروردین ماه ۱۳۲۱، ۶). بنابراین، انحصاری قند و شکر که بخش واردات آن در انحصار دولت بود، نفع و سود فراوانی می برد. بنابراین ضرورتی نبود، برای تقلیل بهای آن در بازار تلاش کند.

جراید و روزنامه ها علیه انحصاری کردن کالاهای ضروری و قوت لایموت مردم مقالات زیادی می نوشتند و یک عامل گرانی آن را سیاست انحصاری می دانستند و انحصار را عامل گسترش و رواج قاچاق قند و شکر و گرانی می دانستند.

۳.۴ رواج قاچاق

سیاست انحصار کالای خاص برای دولت، موجب افزایش قاچاق کالا می شد. (روزنامه عصر اقتصاد، سال دوم، شماره ۹۸، ۲). زیرا کالای انحصاری به موجب قانون، مشمول پرداخت حق انحصار برای دولت بود که عامل گران تر شدن آن می شد. دولت

کالای انحصاری را در اختیار تعداد محدود تاجر قرار می‌داد و از آنها مبلغی را به عنوان حق انحصار دریافت می‌کرد. بازرگانان با پرداخت حق انحصار، سود کمتر می‌برد، (روزنامه عصر اقتصاد، سال دوم، شماره ۹۸، ۲) برای افزایش سود خود علاوه بر افزایش خود خواسته قیمت، آن را از طریق احتکار و فروش در بازار آزاد به قاچاق دامن می‌زد. شاید شیوع قاچاق پیامد ناخواسته این سیاست بوده باشد. روزنامه «داد» برای جلوگیری از قاچاق پیشنهاد می‌کند:

در ارزش جنسی که مورد قاچاق قرار می‌گیرد با ارزش جنسی که در نرخ انحصاری در پیش است تعادلی حاصل گردد و الا هر قدر اختلاف قیمت فاحش در پیش باشد به همان اندازه نیز بر تعداد قاچاق و طرق آن افزوده می‌گردد. (روزنامه داد، دوم شوال المکرم ۱۳۶۱، ش ۲، ۲)

قاچاق کالاهای ضروری از جمله قند و شکر و گندم مردم بودند، علاوه بر ضررهای اقتصادی کشور و مردم، جان مردم را نیز به خطر می‌انداخت. دولت برای رفع قاچاق، قوانین منع قاچاق زیادی وضع کرد، ولی بی‌فایده بود. زیرا مجلسیان نیز در نظام اقتصادی و توزیع دخیل بودند. نمایندگان مجلس در ارتباط با قانون منع قاچاق به دسته مخالف و موافق انحصار و انحصار محدود تحت شرایط خاص را توصیه می‌کردند. به نظر مخالفان، انحصار بازرگانی به دلیل انحطاط اخلاقی و ضعف نهادهای سیاسی، وسیله جمع‌آوری ثروت و تمکن فوق‌العاده برای اشخاص معین چیز دیگری نیست و به این ترتیب زیان کشور از حیث انحصار بازرگانی به مراتب بیش از سود آن است. مخالفان معتقدند کالاهای انبارهای دولت انباشته شده، وسیله پخش و فروش آن نیست. کالاهای وارد شده به گمرکات امکان ترخیص به دلیل ضعف قوانین و امکانات حمل و نقل وجود ندارد. (عصر اقتصاد، ۲۵ فروردین ۱۳۲۳، سال دوم، شماره ۹۸، ۲)

۵. سیاست جیره‌بندی قند و شکر

۱.۵ شرکت سهامی و ناتوانی در پخش و توزیع قند و شکر

با شروع جنگ و اشغال ایران، مردم به خاطر ترش از کمیابی و نایابی مواد غذایی بیش از مصرف خود به جمع‌آوری کالاهای ضروری خصوصاً قند و شکر، که بیشتر وارداتی بود، می‌پرداختند. دولت می‌بایست با اتخاذ روش بهتر و عاقلانه‌تر، مانع از فروش بیش از

اندازه قند و شکر می شد. با این وضع دولت به فکر جیره بندی ماهانه بر اساس تعداد نفرات خانوار افتاد؛ نظر دولت از جیره بندی قند و شکر و دیگر کالاها این بود که کالا به قیمت ارزان بین عموم اهالی به طور مساوی تقسیم کند و مردم در موقع جنگ از حیث مواد مزبور که از ضروریات اولیه به شمار می رفت در زحمت نباشند.

به دنبال بحران کمبود قند و شکر، دولت در صدد ایجاد راهکارهایی برای پخش کالاهای انحصاری برآمد، برای همین مهر ماه ۱۳۲۰ توزیع این کالا را به دست شرکت پخش کالاهای انحصاری سپرد. در شهرستانها شرکتی به نام شرکت پخش کالاهای انحصاری با حضور بازرگان و متفذان مطلع محلی تشکیل گردید. از نظر ساختاری زیر نظر وزارت دارایی و اتاق اصناف بود. مقرربود در تهران هر روز مقدار ۳۰ تن قند و شکر (معادل یکصد خروار) بین ۳۰۰ دکان عطاری و سقط فروشی تقسیم شود که برای فروش به دست عموم برسانند. (اطلاعات، س ۱۶، ش ۴۶۷۰، یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۲۰، ۱)

ولی این شرکت به دلیل ناتوانی ساختاری و فساد رفتاری کارمندان نتوانست به درستی و عادلانه قند و شکر را توزیع کند. در یک روز همه سهمیه قند و شکر تعیین شده را فروخت و اکثر مردم بدون قند و شکر ماندند. (اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۷۱۷، ۱) البته سهمیه تعیین شده کفاف همه نیازمندان را نمی داد. از طرف دیگر، عده ای از طریق رابطه قند زیادی از این مرکز خریده و در بازار آزاد با قیمت گرانتر می فروختند. اعتراض مردم عصبانی از صف های طولانی و ناامید از دریافت سهمیه به شورش گسترده در سطح محل انجامید که حدود ۶۹۹ ریال به ساختمان خسارت وارد شد. (روزنامه کوشش، سال ۱۹، چهارشنبه ۹ مهر ماه ۱۳۲۰، ۱) شرکت، در پخش قند و شکر موفق نشد. فساد از همان روزهای اولیه در شرکت پخش کالاهای انحصاری شروع شد. مقامات شرکت یا نمی خواستند یا نتوانستند به تعهداتشان در پخش قند و شکر عمل کنند و خواهان معاف کردن شرکت از پخش قند و شکر شدند و درخواست کردند، خود دولت یا وزارت دارایی پخش آن را برعهده بگیرد. در واقع از همان روزهای اول، روزنامه ها به عملکرد بد و تبعیض آمیز شرکت سهامی اعتراض کردند. کارکنان شرکت، بیشتر قند و شکر را بین فامیل و آشنایان خود پخش می کردند. (اطلاعات، (سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۵، ۱۸ مهر ۱۳۲۰، ۳) شرکت سهامی پخش کالاهای انحصاری طی اعلامیه ای در روزنامه کوشش، تمام قصور و ایرادات موجود را متوجه دولت و وزارت دارایی کرد ماموران شرکت سهامی را از فساد و تبعیض منزّه دانست. (روزنامه کوشش، س ۱۹، ۹ مهر ۱۳۲۰، ۴) در مهر ماه ۱۳۲۰ شرکت

سهامی از توزیع قند و شکر خودداری کرد. این اختلافات کماکان در سالهای بعدی ادامه یافت و وزارت دارائی به دلیل ناتوانی ساختاری، مالی و محدودیت های سیاسی و اقتصادی نتوانست نظارت درستی انجام دهد.

۲.۵ ناکارآمدی راه کار جیره بندی

با شکست شرکت سهامی توزیع کالاهای انحصاری، دولت به فکر راهکار جدید افتاد و کمیسیونی در وزارت کشور مرکب از نمایندگان وزارتخانه ها و ادارات مربوطه تشکیل گردید که راه حل عملی پیدا کنند، تا قند و شکر به طور عادلانه تقسیم شود. سپس تصمیم گرفته شد که به وسیله برگه های سرشماری، عده ای جهت سرشماری افراد خانوار، مأموران از ۱۰ آبان ۱۳۲۰ مشغول جمع آوری اطلاعات خانوارها شدند شوند. (اطلاعات، س ۱۶، ش ۴۶۹۱، ۷ آبان ۱۳۲۰، ۱)

۱.۲.۵ عدم تصویب قوانین لازم برای اجرای طرح جیره بندی

دولت به آمار دقیق خانوار دست نیافته بود مجبوره توزیع کوپن (کالابریک) کالاهای ضروری از جمله قند و شکر شد. هرچند که قند و شکر در انحصار دولت بود ولی کوپن، پروانه منحصر به فرد تحویل کالا بود که در صورت خارج شدن آن از دست دولت و مصرف کننده، به منزله از دست رفتن خود جنس بود. (عصراقتصاد، ش ۳ و ۲، ۲۲). از ایرادات کوپن این بود که به راحتی قابل خرید و فروش بود و همه کسی می توانست با کوپن دیگری قند و شکر دیگری را دریافت کند و نیز هیچ مجازاتی برای خریدار و فروشنده مقرر نشده بود. خریداران کوپن، بیشتر دلالتی بودند که برای سود بیشتر، کالاها را احتکار یا فروش آن به اشغالگران برای فروش و بهای بیشتری انجام می دادند؛ ولی هیچ قانونی برای برخورد با این تخلفات وضع نشده بود.

از همان ابتدای توزیع کوپن بازار فروش توسط دست فروشان و بازاریان آغاز شد. (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۰۱، ۱۷ آبان ۱۳۲۰، ۱) کوپن وسیله ای برای سوء استفاده برخی از بازاریان و دلالان گردید. هرچند گزارش ها و دستورهای مبنی بر تعقیب سوء استفاده کنندگان توسط نهادهای ناظر و مجری ارائه می شد اما به دلیل فقدان یا نقص قوانین مصوب تعقیب امکان پذیر نمی شد. معمولاً قبل از اجرای طرحی، ابتدا باید قوانین لازم تصویب می گردد، بعد جنبه اجرایی طرح شروع می شود. ولی در این دوره

وضع دگرگونه بود. کوپن به عنوان اوراق مهم و قابل خرید و فروش، مثل کالا را خرید و فروش می شد، هیچ گونه قانونی برای منع آن وضع نشده بود تا فروشندگان را مورد تعقیب قرار دهند. (ساکما، ۳۶۳۷/۲۴۰)

مجله «عصراقتصاد» عملکرد دولت در جیره بندی کالاها مورد انتقاد قرار داد. براین اساس نه تنها، هدف نظر دولت از جیره بندی قند و شکر و دیگر کالاها توزیع ارزان و مساوی کالاها بین عموم اهالی تحقق نیافت بلکه بر اثر سوء مدیریت بازار سیاه تشکیل شد که آسیب و خطرش برای مردم به مراتب بیش از دوره قبل است. کالاها به چندین برابر قیمت دولتی مورد خرید و فروش می شود. اغلب متصدیان خرید و توزیع و مامورین پخش کوپن، از راه های مختلف شروع به استفاده نامشروع کرده اند و از تفاوت قیمت مزبور، مقادیر زیادی انتفاع برده اند و دولت برای جلوگیری از سوء استفاده متصدیان تاکنون موفق نبوده است. (عصراقتصاد، ش ۳ و ۲، ۲۲)

۲.۲.۵ ناآگاهی مردم از نحوه استفاده از برگه کوپن

کوپن از دو قسمت، ته کوپن (سوش) و سربرگ تشکیل شده بود. ته برگ کوپن دربردارنده تعداد خانوار بود و سربرگ شامل شماره کوپن بود. اکثر مردم از این امر اطلاع نداشتند و در مرحله اولیه توزیع قند و شکر، همه کوپن خود را به مامور توزیع قند و شکر می دادند در حالی که فقط می بایست سربرگ کوپن شامل شماره خود را می دادند و سوش آن را نزد خود نگه می داشتند، چرا که برای بار بعدی توزیع به سوش کوپن نیاز داشتند و در صورت نبود سوش، آنها نمی توانستند جیره خود را بگیرند. مأموران توزیع اغلب از ناآگاهی مردم سوء استفاده کرده با دریافت سوش کوپن در موارد بعدی خودشان اقدام به دریافت کوپن می کردند کمتر اتفاق می افتاد که مامورین سوش را برگردانند. ناآگاهی مردم زمینه سوء استفاده و درگیری و خشونت های بین مردم را افزایش می داد. (اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۷۸۸، ۳)

۳.۲.۵ فقدان مطالعات کارشناسی و آگاهی های زمینه ای

برای جیره بندی، دولت نیاز به مطالعات کارشناسی داشت، که بدانند چقدر موجودی قند و شکر یا کالاهای دیگر را دارند و دوم تعداد دقیق نفرات سرشماری شده را بدانند و بعد شروع به دادن کالا توسط برگه کوپن کنند. اما دولت هنوز آمار جمعیت و میزان مصرف را

نداشت. مثلاً در تهران ابتدا برای هر نفر ۱۲۰۰ گرم قند و شکر (۸۰۰ گرم قند و ۴۰۰ گرم شکر) در نظر گرفتند و توزیع آن را شروع کردند. اما به زودی متوجه شدند که در انبارهای دولتی این مقدار موجود نیست. به سخن دیگر، دولت بدون مطالعات کارشناسی و تامین پشتوانه جیره‌بندی و توزیع، وارد مرحله توزیع کوپن و کالا شد. همین امر و عدم مطالعه دقیق موجب شد که در مرحله اول بیشتر مردم قند و شکر دریافت نکنند و ظرف یک ساعت قند و شکر تمام شود که موجب ازدحام جمعیت در مکان‌های توزیع و به تبع آن زد و خورد می‌شد. (کوشش، شماره ۴۷۲۰، سال ۱۹، ۳) وقتی دولت فهمید با این مقدار سهمیه قادر به پرداخت ماهانه آن نیست، مقدار آن را کم کرد و ماهانه به ۸۰۰ گرم (۶۰۰ گرم قند و ۲۰۰ گرم شکر) هر نفر تعیین رساند. (اطلاعات، سال ۱۷، شماره ۴۸۳۶، ۱۲ فروردین ۱۳۲۱، ۱) این مقدار قند و شکر برای مصرف خانوارها بسیار کم بود و کفاف نمی‌داد؛ ازسوی دیگر هر ماه به طور مرتب توزیع نمی‌شد. لذا بازار سیاه را داغتر کرد، مردم ناگزیر احتیاجات خود را از بازار آزاد سیاه با قیمت بسیار گران می‌خریدند. از قیمت بسیار بالای قند و شکر در بازار آزاد موجب شده بود اقشار کم درآمد و فرودست جامعه، که اکثریت راتشکیل می‌داد، قادر به خرید آن نبودند. این وضع در شهرهای کوچک و روستاها به مراتب شدیدتر بود. در نتیجه خرید و فروش کوپن رواج بسیاری پیدا کرد و مردم برای گرفتن قند و شکر بیشتر به خرید کوپن روی آوردند. مشکلاتی از این دست موجب شد که دولت وقتی دید این شیوه جیره‌بندی به شدت باعث هدر رفتن سهمیه زیاد قند و شکر و سوء استفاده افراد دیگر می‌شود و مردم فرودست، سهمیه ناچیز را هم دریافت نمی‌کنند، دوباره سرشماری دقیق تری را در سال بعدی شروع کرد. (اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۷۷۰، ۲۷/۱۰/۱۳۲۰، ۳)

۴.۲.۵ تبعیض سیستمی در توزیع قند و شکر بین تهران و شهرستان‌ها

دولت از عهده مقدار تعیین شده ماهانه یک نفر (۸۰۰ گرم) بر نیامد. زیرا با کاهش ذخایر انبارهای دولتی، کاهش ذخایر اشغالگران، کاهش واردات و کاهش تولید داخلی امکان ادامه سهمیه پیشین وجود نداشت. اشغالگران با پرداخت پول بیشتر تقریباً همه کالاهای ضروری را جمع می‌کردند و گاهی با نفوذ سیاسی و نظامی بخشی از نیازمندیهای خود را از طریق نهادهای دولتی تامین می‌نمودند. لذا از ابتدای سال ۱۳۲۱ مقدار سهمیه (به هرنفر ۵۰۰ گرم) کاهش یافت. دولت برای آرام نگهداشتن شهرهای بزرگ و صنعتی با زندگی کاملاً شهری

مانند تهران و تبریز و اصفهان سهمیه آنها را بیشتر از شهرهای کوچک قرار داد. به این ترتیب تن به یک تبعیض سیستمی داد که دامنه آن بتدریج گسترده شد. دربرخی موارد دیده می شد که حتی بین شهرهای کوچک هم تبعیض وجود داشت. دلیل این تبعیض ها در منابع و روزنامه نیامده است هرچند برخی روزنامه ها به این تبعیض اعتراض کردند، (کیهان، س ۲، ش ۳۶۳، ۱۲ آذر ۱۳۲۲، ۲؛ روزنامه اطلاعات، سال هیجدهم، ۱۵ آذر ۱۳۲۲، ۲ و ۱)

اما نتیجه ای بدست نیامد. یکی از اصول و قواعد جیره بندی تقسیم عادلانه آن مقدار سهمیه قند و شکر بین همه مردم بود. این جیره بندی و مقدارنیم کیلویی که برای هر نفر در شهرستان های مختلف تعیین شده بود در واقع نقض جیره بندی بود و گویا برای مقاصد دیگری به جز توزیع عادلانه کالا بود، چون در توزیع آن تقسیم عادلانه کالاهای اساسی مردم رعایت نمی شد. تبعیض دیگر این بود که ادارات دولتی سهمیه نیروها خود را پیشتر از مقدار موجود جدا می کردند و آن را از طریق سیستم اداری توزیع می کردند و بقیه را به مردم عادی تخصیص می دادند. (روزنامه اطلاعات، ۱۵ آذر ۱۳۲۲، ۱ و ۲) این امر نیز به تبعیض دیگر بین کارمندان و مردم عادی دامن می زد. به سخن دیگر در توزیع قند و شکر و سایر کالاهای مورد نیاز تبعیض های متقاطع سیستمی انجام می شد.

دردوره اوج بحران کمبود قند و شکر، (آذرماه ۱۳۲۲) وزارت دارایی و اداره آمار مجدداً زمینه سرشماری و توزیع کوپن های جدید را فراهم آورد. این روند درصدد یکسان کردن مقدار جیره بندی همه شهرها و سرشماری دقیق مردم شهر برای جلوگیری از مشکلات پیش آمده در جیره بندی های قبلی بود. این بار سه هدف در نظر گرفته شد: ۱) توجه به مقدار حقیقی نیازهای مردم ۲) جلوگیری از فروش کوپن ۳) طرز توزیع کالاهای جیره بندی، که قرار شد هر شهر به حوزه های مختلفی تقسیم شود و هر کس جنس های جیره بندی را از نقاط معینی بخرند. (کیهان، س ۲، ش ۳۶۳، ۸ آذرماه ۱۳۲۲، ۱)

عملیات سرشماری و پخش برگه های کوپن زمان بر بود و در امر توزیع قند و شکر اختلال ایجاد کرد و مردم تا توزیع برگه های جدید کوپن، در رفع احتیاج خود در مضیقه بودند و نمی توانستند قند و شکر خود را تامین کنند. در واقع این آزمون و خطاها موجب تعلل در کار می شد و کار توزیع سهمیه را برای یک یا دو ماه به عقب می انداخت. از سال ۱۳۲۳ سهمیه کمی افزایش یافت ولی مشکلات مردم حل نشد. دولت هربار برای رفع

نقایص جیره بندی، طرحی جدید ارائه می داد ولی به دلایل ساختاری و رفتاری هیچ پیشرفت چشمگیری در رفع مشکلات جیره بندی بوجود نیامد.

۵.۲.۵ فساد ماموران و دستگاه اجرایی در طرح جیره بندی و رواج احتکار قند و شکر

فساد دستگاه های اداری و مأمورین و مقامات به دو صورت نمایان شد یکی سوء استفاده از طریق خرید و فروش اصل کوپن در بازار آزاد و دیگری خرید قندوشکر با موپن های گردآوری شده و احتکار آنها و فروش با قیمت های گزاف بود. گاهی ماموران با ارائه اطلاعات غلط به مردم و اعلام باطل شدن کوپن برخی از مردم را فریب می دادند و کوپن های آنان را می خریدند. (کیهان، ۱۲ دیماه ۱۳۲۳، ۲)

عدم قانونمندی کوپن ها، باعث رواج کوپن های تقلبی در بازار شد و مقدار بسیاری از قند و شکر با همین کوپن های تقلبی وارد بازار آزاد می شد و سوء استفاده گران، در بازار آزاد با چند برابر قیمت می فروختند. به عنوان مثال در دی ماه ۱۳۲۳، ۱۰۶ هزار کوپن تقلبی از مجموع ۲۱۵ هزار کوپن در تهران کشف شد. (اطلاعات، سال ۱۹، شماره ۵۶۶۲، ۳) همچنین در بهمن ماه ۱۳۲۳، از مجموع ۱۱۰۰۰۰۰ کوپن مربوط به تهران، ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار کوپن، در دست دلالتان بود. براساس این تعداد کوپن در هرماه ۱۵۰ تا ۲۰۰ تن قندوشکر از انبارها ربوده شده و در بازار آزاد به چندین برابر قیمت فروخته می شد. (همان، شماره ۵۶۷۳، ۳)

از دیگر سوء استفاده های ماموران این که، جمعیت تهران را بیش از اندازه واقعی آن عنوان کرده و کوپن های بسیاری دریافت کردند ولی آنها درزنجیره از کارگزاران تصاحب می کردند. یا کوپن های خانوارهای غیاب از منزل خودشان تصاحب می کردند یا کوپن خانوارها و افرادی را که شناسنامه همراه نداشتند یا مفقود کرده بودند تحویل نمی دادند. بدین ترتیب کوپن زیادی در دست ماموران باقی می ماند. آنها با تبانی کوپن هارا به قیمت ارزانتر به بازاریان یا دلالتان می فروختند. گاهی کوپن های جعلی و تقلبی در بازار رواج داده می شد.

توزیع و پخش قند و شکر در بیشتر شهرستان ها به مامورینی واگذار می شد که فاقد صلاحیت اخلاقی بودند. اکثر اسناد متعددی دال بر سوء استفاده ماموران و عدم صلاحیت اخلاقی آنها به وزارت دارائی منعکس می شد اما فقدان ساختار ناظر نمی توانست مانع این گونه ماموران و تخلفات شود. مردم ساوه در عریضه ای از مامور پخش کالاهای

انحصاری به وزارت دارایی شکایت کردند. عریضه نشان دهنده به ستوه آمدن مردم بیچاره از مامورین دولتی در پخش کالاهای انحصاری بود. (ساکما، ۱۳۶۵/۲۴۰. سند شماره ۱-۴ پیوست)

از دیگر موارد فساد دستگاه های اجرایی، دزدیده شدن ۶۰۰۰ هزار کوپن ایل بختیاری و فروخته شدن آن در بازار آزاد به قیمت ۲۱۰ ریال و به زحمت اقتادن افراد ایل بود که قیمت آن بسیار بالاتر از قیمت فروخته شده بود. (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۶۴-۱۶۳) فساد در این مورد یعنی پخش و توزیع کالاهای انحصاری موجب تلف شدن سرمایه قند و شکر و فروش آن در بازار سیاه به چند برابر قیمت و نبود کالا برای پخش و به تبع آن اعتراض مردم در شهرها می شد.

میلسپو فساد ادارات دولتی را مانع بزرگی در اجرای صحیح طرح جیره بندی در ایران توصیف میکند. (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۶۴) این فساد به حدی واضح و روشن بود که بیش از هر منبعی در خاطرات مامورین و کنسول های خارجی که در ایران در آن زمان مشغول خدمت بودند انعکاس یافته است. (سرکلارمونت، ماموریت آمریکاییه در ایران، ۳۵۳) مهمتر از همه دکتر میلسپو بود. وی در ژانویه ۱۹۴۳ برای بهبود اوضاع اقتصادی ایران به عنوان رئیس کل مالیه ایران استخدام شد. میزان بی لیاقتی و نادرستی کادر اجرایی و اداری ایران چنان بود که دکتر میلسپو می بایست اخلاق و درستکاری را آموزش بدهد بعد اقدام به هر عمل دیگری برای از بین بردن بحران کند، چرا که هر عمل و اصلاحی انجام می شد. به وسیله مقامات و ماموران عالی رتبه کاملاً بی اساس می شد. میلسپو برای غلبه بر هرج و مرج اقتصادی، درخواست اختیارات کامل از مجلس کرد. (اطلاعات، سال ۱۷، شماره ۵۱۶۰، ۱۳۲۲/۲/۱۳، ۱)

یکی از فساد های دامنگیر دستگاه اداری و عامل گرانی و نبود کالا، احتکار قند و شکر بود. از جمله اقدامات میلسپو تصویب قانون ضد احتکار در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ بود. (همان، سال ۱۶، شماره ۴۹۲۰، ۱) ولی تا خردادماه ۱۳۲۱ که اداره نظارت خواروبار تشکیل شد به اجرا در نیامد، چون دولت در انتشار صورت ارقام مشمول قانون مذکور، تعلل می کرد و به ادعای بریتانیایی ها، هیچگاه با عزمی جدی آن را به اجرا در نیاورد و از دولت انگلیس برای رفع مشکل کمبود خواروبار خود کمک می گرفتند. (سر ریدر بولارد، ۱۳۳۳: ۸۳)

این قانون از زمان تصویب ناکارآمد بود. چون مجریان قانون ضد احتکار خود از عاملین احتکار بودند با قدرت نهادی خود به جمع‌آوری کالاهای ضروری می پرداختند و در زمان مناسب با بالاترین قیمت در بازار سیاه می فروختند. زمان جنگ که واردات و صادرات به سختی انجام می‌شد، و کالا در بازار نبود فرصت مناسب برای فروش در بازار سیاه بود. (سرکلارمونت، همان، ۳۵۳) از نظر میلسپو، دادگستری و شهربانی پشتیبان احتکارگران و دلالان بود و به ادعای او در این حکومت هیچ مفسدی محاکمه نمی شد. هرچند به نظر او در همه حکومتها درجه ای از فساد وجود دارد ولی این حکومت را فاسدترین حکومت بعد انقلاب فرانسه می داند. (همان، ۳۱۲) بیشتر اقدامات به جای اینکه فکر مقامات و مأمورین را به طرف بهبود اوضاع سوق دهد، به سوء استفاده از وضعیت جدید و فساد می کشاند. قند و شکر، چای و قماش و نان شاید برای ۹۰ درصد عامه مردم از ضروریات اولیه زندگی را تشکیل می داد ولی برای مسئولین و مقامات، کالاهای سودآور بودند و بدون اینکه فکر کنند این ارزاق قوت لایموت مردم هستند به وسیله آنها سرمایه خود را زیادتر می کردند. لذا از قانون ضداحتکار، محتکرین، سفته‌بازان و مأموران فاسد دولت، که از وجود بازارهای سیاه نفع داشتند، زیان می دیدند. (همان، ۳۵۴) سرکلارمونت اسکرین سرکنسول انگلیس در ایران در کتاب خاطرات جنگ جهانی در ایران شدت فساد دستگاهها و مقامات را با تجربیات زیادی که از ایران دارد به خوبی شرح می دهد و وجود فاسدان را از مهمترین عاملان بحران های اقتصادی می داند: مدعی است که به میلسپو گفته بود که «در دوران رضاشاه در ایران یک شبکه فساد و چپاول اقتصادی به وسیله بعضی از مقامات رسمی از وزارتخانه های دارایی، کشور، اقتصاد، کشاورزی و همکاران آنها یعنی مالکین، محتکرین و مدیران امور نان و خبازی سازمان یافته» وجود دارد. او از فساد طبقات بالا و فقر طبقات پایین که ناشی از تسلط کامل تمایلات پول پرستانه در دوده بعد نیز یاد می کند. (همان، ۲۹۵). هرچند باید روایت خارجیان به ویژه انگلیسی ها را برای پنهان کردن نقش خودشان در بحران اقتصادی با تامل و تردید نگریست اما خالی از واقعیت نبود.

سرکلارمونت رسوخ فساد در تمام دستگاههای اداری به ویژه در امور خواروبار برحسته می داند. به گفته او، وزارت دارایی، که وظیفه تامین کالاهای اساسی مردم را برعهده داشت، از بالاترین مقام تا مترجمان مستشاران، همگی در باند احتکار و فساد ارزاق دست داشتند و چنان اتحادی بین افراد باند برقرار بود که مستشاران آمریکایی شاغل در وزارت خارجه، از

این اتحاد و هوش و کفایت و مدیریت آنها به وجد آمده بودند و آنها را تحسین می کردند. (همان، ۲۹۱) سرریدر بولارد نیز از عدم اشتیاق نمایندگان مجلس از لایحه ضد احتکار سخن میگوید. زیرا معتقد است اکثر نمایندگان زمین دار و محترک بودند. (بولارد، شترها باید بروند: ۲۷۵) البته این نگاه خارجی در مورد همه ملت صدق نمی کرد بلکه عامان و روشنفکرانی بودند که فریاد نوع دوستی می دادند.

روزنامه اخبار روز، در طی مقاله ای با عنوان «به یکدیگر کمک کنیم» مردم را به درستکاری و عدم احتکار دعوت می کرد:

بر ماست که امروز برای آینده آنان شرافت و انسانیت و آبروی نیک به یادگار گذاریم و با افتخار و سربلندی بگویند: روزگاری در زمان پدرانمان ملت گرفتار سختی هایی شد و در آن موقع همه توانگران و اهل استطاعت دست به دست هم دادند و بدبختان را از فلاکت و تیره روزی رهانیدند، نه اینکه لعنتی به دنبال ما بفرستند و بگویند: در آن زمان گرسنه ای در گوشه ای به تلخی جان می داد و یتیمی در بیغوله ای از گرسنگی اشک می افشاند و در همان حال محترکان به تماشای انبارهای خود خنده شادمانی می زدند. (اخبار روز، ش ۱۱، مورخ ۱۳۲۱/۹/۱۰)

۶. نتیجه گیری

سیاست ها و راهکارهای حکومت برای کنترل وضع بحرانی و قحطی قند و شکر به دلایل مختلف از جمله سیاست انحصاری کردن، نقص قوانین، فساد ماموران و عدم آگاهی مردم از جیره بندی و کوپن موجب گریدی تا اقدامات دولت نتیجه مطلوب منجر نشود. عدم توجه به زیر ساخت های مهم برای اجرای این قانون از جمله وضع نکردن قوانین برای اجرای این طرح که در صورت بروز تخلف با آن برخورد شود عاملین پخش را بیش از پیش تشویق به فساد و بهره برداری از آن می کرد چون که هیچ عامل بازدارنده در مقابل کار آنها وجود نداشت و این عدم نظارت صحیح بر شیوه توزیع و تقسیم عادلانه موجب شد هر نوع فساد از داخل سیاست جیره بندی شیوع پیدا کند مانند خرید و فروش کوپن، جعل کوپن و دزدیدن کوپن از سرپرست خانوار به دلیل عدم آگاهی وی، احتکار و جمع کردن قند و شکر و آوردن آن به بازار آزاد و فروختن آن با قیمت بسیار بالا. سیاست انحصاری در ذات خود موجد گرانی بوده زیرا حکومت بخشی از نیازهای درآمدی خود را از طریق مالیات بندی بر قند و شکر تامین می کرد. هرچه قیمت هابالابود

مالیات هم بیشتر اخذ می شد. یعنی حکومت چند طرفه سود می برد هم با افزایش قیمت سود می کرد و هم با بالا رفتن مالیات. همچنین انحصار بر افزایش فاصله اجتماعی گروه‌ها و افزایش بین فقر و غنی می افزود. در کنار این سیاست، فقدان قوانین مشخص و محدودکننده دست دلالان و بازاریان و نظارت بر روند توزیع نیز از عوامل دیگر ناکامی سیاست‌ها و اقدامات دولت در این زمینه بود. فساد ماموران اجرایی و همدستی آنان در غارت اموال مردم نیز مزید بر علت شد تا ناکامی باشد. در کنار این عوامل عوامل خارجی نیز در افزایش بدبختی مردم و تداوم قحطی می شد.

بنابر مجموع عواملی که گفته شد سیاست و اقدامات دولت ایران برای رفع بحران قند و شکر مستمر ثمر واقع نشد و بر عکس اوضاع را بحرانی تر کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. (نامه اقتصاد و بازرگانی، شهریور ماه ۱۳۲۱، ص ۱۲۸)، همان، ص ۱۲۷). (نامه اقتصاد بازرگانی، دی ماه ۱۳۲۴، ص ۱۰۱). (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۱/۱۷، ص ۱). (مجد ۱۳۹۵: ۲۳۲)، (مجد، همان: ۲۳۷). (روزنامه ی پرچم، شماره ۱۰، ص ۳).

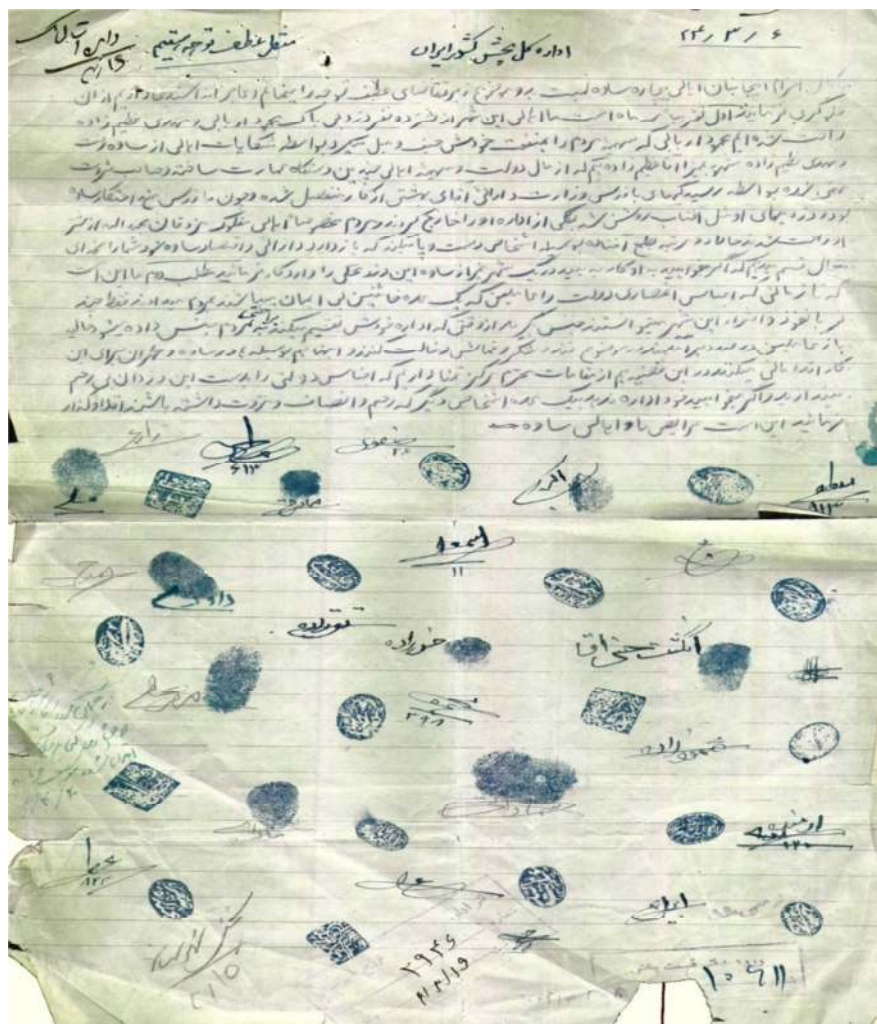
۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۳۰، همان، ۱۳۲۱/۳/۱۳، همان، ۱۳۲۱/۴/۱۰، همان، ۱۳۲۱/۵/۱، ریال اطلاعات، ۱۳۲۱/۱۱/۱۰، اطلاعات ۱۳۲۱/۱۲/۲۷، ریال، اطلاعات، ۱۳۲۲/۱/۸، اطلاعات ۱۳۲۲/۲/۱۸، اطلاعات ۱۳۲۲/۲/۸، روزنامه عصر اقتصاد ۱۳۲۲/۹/۲۶، روزنامه عصر اقتصاد ۱۳۲۳/۱/۲۹، روزنامه عصر اقتصاد ۱۳۲۳/۷/۲۲، مجله عصر اقتصاد آبان ماه ۱۳۲۳، مجله عصر اقتصاد، آذر ماه ۱۳۲۱، مجله ی عصر اقتصاد، اسفند ۱۳۲۳، عصر اقتصاد شماره ۹، ۱۳۲۴، مجله عصر اقتصاد خرداد ماه ۱۳۲۵، نامه اقتصاد و بازرگانی ۱۳۲۳ - ۱۳۲۵، روزنامه کیهان ۲۸ نوامبر ۱۹۴۳، کیهان ۶ دسامبر ۱۹۴۳، روزنامه عصر اقتصاد شماره ۱۰۱

سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های ایران در ... (مرضیه منصوری و اسماعیل حسن‌زاده) ۲۹۵

پیوست‌ها

صفحه ۶		نامه اقتصاد و بازرگانی		شماره ۱ - فروردین ماه ۱۳۲۱	
		بقیه بودجه درآمد سال ۱۳۲۱ کشور			
ردیف	شرح	مبلغ	ردیف	شرح	مبلغ
۸	مالیات ذرایع و منفرد	۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۶	حق امتیاز تلفن و درآمد سایر امتیازات و پستی آن	۱۵۰۰۰۰۰
۹	درآمد جنگها و منفرد	۱۵۰۰۰۰۰۰	۲۷	حقوق نمایندگی دولت در نفت جنوب	۳۹۲۰۰۰۰
۱۰	حق البیت و سایر بارگشی غیر موقوف و مالیات دوجرخه و سایر خه	۲۵۰۰۰۰۰۰	۲۸	حق امتیاز وصولی از نفت جنوب	۳۴۷۲۰۰۰۰۰
۱۱	درآمد منفرد غیر مستقیم از درآمد خراج و مزایده و عوارض اضافی وصولی عوارض شهرداریها	۶۲۰۰۰۰۰۰	درآمد قسمت اقتصادی وزارت دارایی		
۱۲	مالیات نمیر ناامدها و برگهای نمیردار	۲۵۰۰۰۰۰۰	۲۹	درآمد معاملات بازرگانی	۱۰۴۰۰۰۰۰۰۰
۱۳	حق کمرک و درآمد شانسری و منفرد	۲۲۱۵۰۰۰۰۰۰	۳۰	مجلس شورای ملی و درآمد آن	۴۰۰۰۰۰۰۰
۱۴	درآمد انحصار غله و شکر و چای	۱۰۹۵۰۰۰۰۰۰	۳۱	وزارت دادگستری	۵۰۰۰۰۰۰۰
۱۵	مالیات راه	۷۳۵۰۰۰۰۰۰	۳۲	درآمد دادگاههای بخش و نمایندگی دادسراها	۱۰۰۰۰۰۰۰
۱۶	عوارض نمودی	۲۲۵۰۰۰۰۰۰	۳۳	درآمد صمدی پست و تلگراف و املاک	۴۰۰۰۰۰۰۰
۱۷	سود سهام دولتی	۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۴	درآمد ثبت اسناد و املاک و حق نسبی از حق اجرا	۱۶۰۰۰۰۰۰۰
۱۸	سود سهام نفت جنوب	۵۱۴۸۲۲۱	۳۵	درآمد حق التأمین صاحبان دفاتر رسمی	۲۰۰۰۰۰۰۰
۱۹	معادن - املاک خالصه و شیلات	۷۱۶۹۲۳۵	۳۶	درآمد فروش برکها و دفتر وزارت کشور	۱۰۰۰۰۰۰۰
۲۰	عشورکاهای روی زمینی و نمک و ذغال سنگ و شلات داخلی	۳۹۲۴۲۲۸	۳۷	درآمد شهرداری و کدیرانه و درآمد کدیرانه شهرستانها	۸۰۰۰۰۰۰۰
۲۱	درآمد انتقالی از وجوه مخصوص	۶۰۰۰۰۰۰۰	۳۸	درآمد ثبت احوال وزارت بهداری	۱۳۰۰۰۰۰۰۰
۲۲	مطالبات دولت از اشخاص	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۹	درآمد وزارت بهداری و بنگاه باستور	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۳	سایر درآمدها	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰	درآمد معاینه بهداری ناوها و فرنیطیه ها وزارت امور خارجه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۴	درآمد منفرد غیر موقوف	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۱	درآمد شانسری و کدیرانه و شانسنامه وزارت پست و تلگراف	۵۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۵	حق امتیاز دولت از شیلات دریای خزر و پستی آن	۱۹۰۰۰۰۰۰۰	۴۲	درآمد پست (بلاوه مرسولات دولتی)	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰
			۴۳	درآمد تلگراف (بلاوه مخابرات دولتی)	۵۲۰۰۰۰۰۰۰۰
			۴۴	درآمد حق نظاره از شرکت تلفون و منفرد	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

سند ۱. بودجه درآمد سال ۱۳۲۱ ش.



سند ۲. عریضه مردم ساوه از فساد ماموران به وزارت دارایی

کتاب‌نامه

- ایرملو، محمد (۱۳۸۸)، یادواره های یک بچه قزاق، تهران، نشر البرز.
- اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳)، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، سلسله.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادی و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ج ۳.
- بولارد، سرریدر (۱۳۶۳)، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو.

سیاست ها و برنامه های دولت های ایران در ... (مرضیه منصوری و اسماعیل حسن زاده) ۲۹۷

- تفضلی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، *سرگذشتی پیش نوشته و ناگفته های تاریخ معاصر*، تهران، عطائی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۶)، *حیات یحیی*، تهران، تهران مصور.
- سالکی، حسین (۱۳۶۶)، "احتکار"، *مجله حسابداری*، خرداد، شماره ۳۱، ص ۲۳.
- سیف پور فاطمی، نصراله (۱۳۷۸)، *آئینه عبرت*، به کوشش علی دهباشی، تهران، انتشارات سخن، نشر شهاب.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴)، *روابط ایران و شوروی در دوره رضا شاه*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- عاقلی، باقر (۱۳۵۸)، *ذکاء الملک فروغی و شهریور ۲۰*، تهران، انتشارات علمی، سخن.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه، هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران، نشر البرز.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه*، تهران، امیرکبیر.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۵)، *ایران پل پیروزی، سرزمین قحطی*، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- مرضیه منصوری (۱۳۹۸)، "بررسی علل بحران قند و شکر در دوره قاجاره قبل از انقلاب مشروطه"، *ماندگار*، سال سوم، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۰۵.
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۸۲)، *زندگی سیاسی حکیم الملک*، تهران، امید فردا.
- میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، *مأموریت آمریکاییها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، پیام.
- اسناد سازمان کتابخانه ملی ایران (ساکما):
- ۲۴۰/۱۶۰۸۲ ؛ ۲۴۰/۲۴۰۹۵ ؛ ۲۴۰/۱۶۰۸۸ ؛ ۲۴۰/۴۰۶۹۱ ؛ ۲۴۰/۳۶۳۷ ؛ ۲۴۰/۱۶۰۸۲
- روزنامه اطلاعات س ۱۶ و س ۱۷ و س ۱۸ و س ۱۹ و س ۲۰. (۱۳۲۰ - ۱۳۲۵)
- روزنامه کیهان، س ۲، ش ۳۷۰
- روزنامه عصر اقتصاد
- روزنامه کوشش
- روزنامه داد
- نامه اقتصاد و بازرگانی
- روزنامه پرچم.
- روزنامه کوشش.
- روزنامه اخبار روز.